

## تحلیل شبکه مهاجرت‌های بین‌استانی در ایران (۹۰-۱۳۸۵)

دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۸ پذیرش نهایی: ۹۶/۳/۱

صفحات: ۲۰۶-۱۸۵

محسن آقایی هیر: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران<sup>۱</sup>

Email: aghayarihir@gmail.com

هادی حکیمی: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

Email: h.hakimi@tabrizu.ac.ir

### چکیده

در پژوهش حاضر با عنایت به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، به تحلیل شاخه‌درختی و تحلیل شبکه مهاجرت‌های بین‌استانی پرداخته شده است. بر این اساس ابتدا شکل‌گیری خوشه‌های مهاجرت بین‌استانی در نواحی مختلف کشور بررسی و تحلیل شده و سپس بر مبنای تحلیل شبکه ترکیبی (شامل: جریان، جهت، شدت و موقعیت گره‌گاه‌ها) به تحلیل این مهاجرت‌ها مبادرت شد. نتایج تحلیل‌های انجام یافته به صورت نمودارهای تحلیلی ارائه شده و حاکی از وجود چند خوشه‌ی اصلی در مهاجرت‌های بین‌استانی است که با میزان جریان متفاوتی شکل گرفته و در نهایت به شاخه‌ی اصلی (استان‌های تهران و البرز) می‌پیوندند. علاوه بر برخی استان‌ها توانسته‌اند نقش منطقه‌ای قابل توجهی در جذب مهاجر از استان‌های همجوار ایفا نمایند که شامل استان‌های البرز، اصفهان، آذربایجان شرقی، بوشهر و خراسان رضوی است.

کلید واژگان: مهاجرت، تحلیل شبکه، مبادلات بین‌استانی، UCINET، ایران.

### مقدمه

مهاجرت به‌عنوان حرکتی فردی یا گروهی، آن هم به‌صورت موقت یا دائم از یک نقطه‌ی جغرافیایی به نقطه‌ای دیگر، از بدو خلقت هم‌زاد بشر بوده است. اگر چه جمعیت‌شناسان معمولاً باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت را هم‌چون سه زمینه‌ی مطالعاتی می‌شناسند، اما در حالی که در سال‌های دور مطالعات باروری و مرگ‌ومیر در تحلیل‌های جمعیتی مسلط بوده‌اند، در دهه‌های

<sup>۱</sup>. تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی.

اخیر، پژوهش‌ها بر روی مهاجرت و تحرک افزایش پیدا کرده است (Clarke, 1986: 9). در همبستگی بین مهاجرت و عوامل مختلف می‌توان به مهمترین یافته‌های مطالعات مهاجرتی اشاره کرد که نقش سن را مبنی بر شکل‌گیری عمده مهاجرت‌ها در سنین ۲۰ تا ۳۵ سال، گوشزد می‌نماید. دومین عامل مؤثر در مهاجرت، دست‌یابی به آموزش است و لذا سطوح بالای تحصیلات فرد یا خانوار، منجر به مهاجرت می‌شود. احتمال مهاجرت در بین کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، سه برابر بیشتر از کسانی است که از تحصیلات ابتدایی برخوردارند. مهاجرت همچنین با وضعیت مالکیت هم تغییر پیدا می‌کند. مهاجرت در میان کسانی که اجاره‌نشین‌اند، سه یا چهار برابر بیشتر از مهاجرینی است که خودشان مالک هستند (Clarke, 1986: 25). البته در کنار همه‌ی این عوامل نباید از یاد برد که شهرنشینی به‌عنوان یک فرآیند متناهی برای همه ملت‌ها که از طریق آن از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی گذر می‌کنند، از عوامل تشدیدکننده مهاجرت‌هاست (Robbers, 1985: 25) و مهاجرت به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تغییرات جمعیتی، از نخستین نیروهای نهان تغییرات تکنولوژیکی و اجتماعی در سرتاسر جهان است. همان‌طور که اندازه و ترکیب جمعیت در یک ناحیه تغییر پیدا می‌کند (افزایش یا کاهش)، مردم باید تعدیل پیدا کنند. از تعدیلات آنها، تغییرات بی‌شماری در کارکردهای اجتماعی حاصل می‌شود (Weeks, 2008: 5).

اما متأسفانه، پژوهش‌های خیلی کمی در مورد آثار مهاجرت بر روی تغییر الگوی فضایی و تغییر در ساختارهای سیاسی و اجتماعی انجام شده است. پرواضح است که در سطح ملی و منطقه‌ای حرکت مردم باز نمی‌ایستد و مهاجرفرستی به سوی شهرهای بزرگتر جهان در حال تداوم است. شواهد موجود در کشورهای در حال توسعه دلالت‌های مهمی برای تغییر فضایی، فرایندهای سیاسی و توانایی جوامع برای مهیا کردن یک استاندارد مناسب زندگی برای جمعیت‌شان دارد. این سخن که مردم در زمان حرکت، هم مکانی که آن‌را ترک کرده‌اند و هم مکانی که به آن وارد می‌شوند را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهند؛ به‌طور واضحی مبالغه‌آمیز است. در بعضی از موارد مهاجرپذیری می‌تواند بار سنگینی بر مکان‌ها باشد. به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه که هیچ شاهدهی بر سودمندی آن دیده نمی‌شود. از طرف دیگر، مناطق با مهاجرفرستی بالا، شاید محیط‌های کاملاً مطلوبی برای افراد باقی‌مانده، بخصوص اگر شغل داشته و محیط اقتصادی نسبتاً باثبات داشته باشد، فراهم آورد (Clarke, 1986: 25).

البته همه تغییرات جمعیتی بد نیست، اما رشد جمعیت یک تقاضای سیری‌ناپذیر برای منابع طبیعی و اجتماعی به‌وجود می‌آورد (Weeks, 2008: 299). شاید در گذشته پدیده مهاجرت از نظر اقتصادی مثبت بود، چرا که وسیله‌ای برای تخصیص بهینه منابع به لحاظ انتقال نیروی

انسانی از نواحی کم‌بازده به نواحی پربازده به شمار می‌آید. اما اکنون در ایران، نرخ‌های بالای مهاجرت به شهرهای بزرگ، مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی - کالبدی بوجود آورده است (رحمانی و حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۳-۲). شاید بتوان گفت؛ یکی از علل ناموفق بودن برنامه‌ریزی‌های شهری در ایران و در برخی از کلان‌شهرها، جریان مستمر تغییرات فیزیکی و جمعیتی آنهاست و به این ترتیب برنامه‌ریز نمی‌داند با چه پدیده‌ای سروکار دارد و برای چه عنصری قصد برنامه‌ریزی (رحمانی و سلطانی مقدس، ۱۳۹۱: ۷۴).

در طی نیم قرن اخیر، تغییرات زیادی در جمعیت کشور اتفاق افتاده که علاوه بر اثر مستقیم رشد و تحول طبیعی جمعیت، تحت تأثیر مهاجرت و تحرکات فضایی جمعیت قرار دارد. هر چند جمعیت به دلیل ماهیت انسانی خویش ذاتاً پویا است، اما تحرکات مکانی، به نوبه‌ی خود بر پویایی آن افزوده و پرداختن به پویایی‌ها و روندهای آنی و بلندمدت آن‌را از اهمیتی روزافزون برخوردار می‌سازد. این‌که جابجایی‌های جمعیتی از کدام نواحی سرچشمه گرفته و به کدام نواحی ختم می‌شوند؟ سؤال مهمی است که پیش‌روی مطالعات جغرافیایی مهاجرت قرار دارد. از آنجا که مهاجرت‌ها در میان نواحی و کانون‌های دارای ارتباط اجتماعی و اقتصادی رقم می‌خورد و به لطف وحدت و انسجام ملی، تمام نواحی کشور ما امروزه دارای پیوندهای دیرینه و عمیق با یکدیگر هستند، پیوندهای مهاجرتی؛ فارغ از اثرات مثبت و منفی آن در مبدأ و مقصد، در میان تمامی استان‌های کشور وجود دارد.

این ارتباط و جابجایی‌ها به خوبی در قالب شبکه اجتماعی - جغرافیایی قابل بررسی است. چرا که می‌توان مهاجرت را در قالب یک‌سری نقاط گلوگاهی (سکونت‌گاه‌ها یا مناطق سکونت‌گاهی) با مسیرهای ارتباطی خاص که دارای جریان خاصی (جریان جمعیت یا مهاجرت) هستند، بررسی نمود. بحثی که اکنون از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، تحلیل شبکه‌ی مهاجرت‌های صورت گرفته در بین استان‌های کشور است تا مشخص گردد، مهاجرت که خود بازتاب فضایی سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در سطح نواحی مختلف کشور است، به چه ترتیب بر نواحی مختلف کشور اثر گذاشته و تداوم روندهای فعلی، آینده‌ی کشور را چگونه رقم خواهد زد؟ و در نهایت اینکه چه باید کرد؟ تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از آمارهای رسمی و نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و با عنایت به تکنیک تحلیل شبکه انجام شده است.

برای تحقق این مهم، پس از طرح مسئله‌ی حاضر، برخی مباحث نظری مرتبط با مهاجرت، شبکه و تحلیل آن مطرح شده و سپس مراحل روش‌شناسی مقاله همراه با جزئیات داده‌ها و چندوچون تجزیه و تحلیل آنها آمده است. سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل شبکه‌ی

مهاجرت‌های بین استانی در سطح کشور پرداخته شده و یافته‌ها در قالب جداول و نمودارهای خاصی تبلور یافته و گویای وضعیت موجود مهاجرت‌ها در سطح کشور است. در ادامه تلاش شد تا در خصوص وضعیت آتی و راه‌کارهای پیش‌روی کشور به بحث و بررسی پرداخته شود. امید که آنچه در این مختصر به رشته‌ی تحریر درآمده، گامی هرچند کوچک در جهت آینده‌ای بهتر برای کشورمان باشد.

### مبانی نظری

تعاریف متعددی از مهاجرت به عمل آمده است. برخی مهاجرت را به عنوان «حرکت فرد یا گروهی از یک مکان به مکان جغرافیایی دیگر تعریف نموده‌اند که از پدیده‌های بسیار مهم در جهان مدرن بوده و جزء جدایی‌ناپذیر از توسعه می‌باشد» (Nicolavea, 2001: 28 & Yao, 2008: 1). برخی دیگر آن را «شامل تغییر سکونتگاه توسط شخص، خانواده یا سرپرست خانوار» (Newbold, 2010: 125) می‌دانند. به عبارت دیگر مهاجرت عبارت از «تغییر مکان جغرافیایی جمعیت‌ها، برای زمان دراز و یا قطعی» (فرید، ۱۳۸۳: ۳۰۷) یا «شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد» (تمنا، ۱۳۹۱: ۱۷۸) به نقل از امانی و همکاران، (۱۳۵۴: ۷۱) می‌باشد. اما مهاجرت از نظر "لی" «تغییر دائم یا نیمه‌دائم محل زندگی است» (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۴۲) و از نظر جوان «ادامه‌ی منطقی توزیع، ترکیب نهایی و جابجایی جمعیت در مکان جغرافیایی است که مهمترین شکل تحرک مکانی جمعیت قلمداد می‌شود» (جوان، ۱۳۸۹: ۳۱۵). به‌طور کلی می‌توان گفت که «اتفاق نظر کلی در مفهوم مهاجرت بین صاحب‌نظران وجود ندارد، ولی به‌طور کلی شاید بتوان مهاجرت را جابجایی بین دو واحد جغرافیایی و یا به عبارت دیگر ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر تعریف نمود» (کلارک، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

اما شبکه نیز از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و تعاریف متعددی برای آن ارایه شده است. کانزکای، شبکه را «مجموعه‌ای از مکانهای جغرافیایی می‌داند که به وسیله تعدادی از مسیرها با همدیگر ارتباط دارند» (Yeung, 2005: 361). در لغت نامه آکسفورد (Wehmeier, 2007) و مری‌یام-وبستر (Merriam-Webster, 2008) از ابعاد مختلف به تعریف شبکه پرداخته شده و انواع مختلفی برای شبکه ذکر شده که از آن جمله می‌توان به شبکه‌های فیزیکی (جاده-ها، خطوط، لوله‌ها و ...)، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های کامپیوتری، شبکه‌های ارتباطات از راه دور و ... اشاره نمود. این موارد کاربرد عمومی شبکه را نشان می‌دهد، اما شبکه در مباحث

علمی مربوط به هر رشته، با دیدگاه خاصی مورد توجه قرار می گیرد. برخی از تعاریف شبکه که بدلیل ماهیت بحث به این تحقیق ارتباط پیدا می کنند در جدول ۱ ارائه شده اند.

جدول (۱). برخی از تعاریف شبکه از دیدگاه های مختلف

منبع	تعریف	ارائه کننده ی تعریف
ناطق و همکاران ۱۳۸۵	همکاری میان بنگاه هایی که از مکمل بودن هم کسب سود کرده، از بازارهای جدید بهره برداری می کنند، فعالیت های یکپارچه ای دارند و از منابع و دانش به صورت مشترک استفاده می کنند.	ناطق و همکاران ۱۳۸۵
دولفوس ۱۳۷۰	شبکه ها عموماً نظام های خطی شکل و ممتدی هستند که امکان انتقال مواد، انرژی، جمعیت و اموال را میان نقاط مختلف فضای انسانی، فراهم می آورند.	دولفوس ۱۳۷۰
باستانی و هیگویی ۱۳۸۶	یک شبکه، از اعضای شبکه و مجموعه ای از پیوندها که افراد، کنشگران یا گروه ها را به هم متصل می سازد، تشکیل شده است.	ولمن ۱۹۸۸
شارع پور ۱۳۸۶	شبکه سیستم پیچیده روابط بین افراد در سیستم اجتماعی است.	کراول ۲۰۰۴
شارع پور ۱۳۸۶	شبکه اجتماعی، مجموعه ای از افراد یا سازمان ها یا مجموعه های دیگر اجتماعی است که از طریق روابط اجتماعی مانند دوستی، همکار بودن یا تبادل اطلاعات با یکدیگر مرتبط می شوند. بدین ترتیب شبکه اجتماعی، الگویی ارتباطی است که مردم را به هم متصل می کند و یا پیوندهایی است که افراد را با گروه هایی از مردم مرتبط می سازد	باستانی ۱۳۸۲

بنابراین تعاریف، می توان گفت که شبکه عبارت است از مجموعه ای یکپارچه از اعضای مرتبط با هم که ارتباطات و مبادلات خود را از طریق مسیرهای ارتباطی خاصی شکل می دهند (آقایاری هیر، ۱۳۸۹: ۱۱). با عنایت به این تعاریف از مهاجرت و شبکه، اکنون می توان نظریات مرتبط با بحث را به شرح زیر مورد بررسی قرار داد.

در خصوص مهاجرت نظریات متفاوت و متعددی ارائه گردیده و هر کدام از این نظریات از نقطه نظر خاصی به موضوع نگاه کرده اند. اما با توجه به پیچیدگی امر مهاجرت، ارائه نظریه ای که بتواند همه ابعاد مهاجرت را به صورت دقیق تحلیل کند، خیلی سخت خواهد بود به قول منگلام<sup>۱</sup> و شوارز ولر<sup>۲</sup> که می گوید "نظریه ای جامعه شناسختی در باب مهاجرت، که الزامات سخت و دقیق نظریه رسمی را پاسخ گوید، احتمالاً در آینده نزدیک پدید نمی آید، گواهی بر این مدعاست. زیرا پژوهشگران با وجود آنکه پیشینه ای دراز در تحقیقات تجربی دارند، به تازگی

1 Mangelam

2 Schwarzweller

مفهوم‌سازی پدیده مهاجرت را که کار دشواری است آغاز نموده‌اند، و به گونه‌ای نظام‌یافته تسلسل‌های علی را طرح و فرضیه‌ها را آزمایش می‌کنند، اموری که لزوماً باید قبل از ارائه رسمی نظریه صورت پذیرد" (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۳۱).

اولین تئوری مهاجرت توسط راونشتاین<sup>۱</sup> مطرح شد. زیرا سنت پژوهش بر روی مهاجرت با مشاهدات وی که معتقد بود عمده‌ی مهاجران جوانان هستند، شروع شد ( 2001:8 Nicolaeva, در کل نظریه راونشتاین در شش فرض اساسی زیر خلاصه می‌شود:

۱- مهاجرت و فاصله: نرخ مهاجرت بین دو نقطه ارتباط معکوس با فاصله بین دو نقطه دارد. مهاجرینی که مسافت طولانی را طی می‌کنند تمایل دارند که ترجیحاً به یکی از مراکز بزرگ تجارت و صنعت بروند.

۲- مهاجرت مرحله‌ای: به‌طور طبیعی در جریان مهاجرت، افراد محلی مایل‌اند ابتدا به‌طرف شهرهای نزدیک و سرانجام به‌سوی شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند، مهاجرت کنند.

۳- جریان و ضد جریان مهاجرت: هر جریان عمده مهاجرت، یک ضدجریان جبران‌کننده را به‌وجود می‌آورد. به‌طوری که مهاجرت خالص از نقطه الف، به نقطه ب همیشه کمتر از مهاجرت ناخالص بین این دو نقطه است.

۴- تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت: افراد بومی شهرها کمتر از آنهایی که در قسمت‌های روستایی کشور هستند مهاجرت می‌کنند. از این‌رو در جریان‌های مهاجرت داخلی خالص، معمولاً مهاجرت از روستا به شهر بیشتر است.

۵- تکنولوژی، ارتباطات و مهاجرت: جریان‌های مهاجرت در طول زمان و در نتیجه‌ی افزایش امکانات جابجایی و توسعه صنعت و تجارت، ماهیتاً رو به افزایش است.

۶- تسلط انگیزه اقتصادی: قوانین بد و ظالمانه، مالیات‌های سنگین، آب و هوای نامناسب، محیط‌های اجتماعی نامطبوع و حتی اجبار (تجارت برده، حمل و نقل و ...) تماماً در ایجاد جریان‌های مهاجرت مؤثر بوده و هنوز هم مؤثر است. ولی جریان‌هایی که این عوامل به‌وجود می‌آورند هیچ‌یک از نظر حجم، قابل مقایسه با جریانی نیست که از میل باطنی اکثر انسان‌ها به بهبود جنبه‌های مادی زندگی سرچشمه می‌گیرد. به‌طور خلاصه، انگیزه‌ی اقتصادی در تصمیم به مهاجرت از همه‌ی عوامل قوی‌تر است (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۱-۲۰).

"لی" دیگر نظریه‌پرداز مهاجرت می‌گوید که افراد به‌طور متفاوتی به مجموعه‌ای از عوامل مثبت و منفی در مبداء و مقصد واکنش نشان می‌دهند و آنها توانایی‌های متفاوتی برای غالب

1 Ravanestein

آمدن بر مجموعه های فرضی از موانع، دارند. با توجه به تئوری "لی"، عوامل جاذبه و دافعه، هر دو تأثیراتشان را بر مبداء و مقصد اعمال می کنند و راه های متفاوتی توسط افراد در مواجهه با این عوامل تمییز داده می شود. عوامل شخصی می توانند با تأثیرگذاری بر عوامل محلی در تصمیم به حرکت و رفتار مهاجرتی دخالت کنند و یا مانع شوند. لی برای تعریف سازوکار تعامل عوامل محلی- شخصی<sup>۱</sup> فرض می کند که چگونگی اهداف در مناطق مبداء و مقصد و بر اساس ادراک شخصی افراد ارزیابی می شود. ادراکات شخصی، بر مبنای ویژگی های سنی، مادی، فیزیکی، اجتماعی، آموزشی و روان شناختی افراد، قرار دارند. بعضی از عوامل شخصی به واسطه- ی زمان، ثابت و یکسان هستند (جنس، آموزش، ولادت و ...). بعضی دیگر در طول چرخه ی حیات<sup>۲</sup> تغییر می یابند (سن، آموزش، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و ...). در نتیجه وقایع مختلف زندگی می تواند تصمیم به مهاجرت را تحریک یا تغییر دهد. در نتیجه رفتار مهاجرتی همیشه به طور کامل، منطقی نیست. برای اینکه آن بر روی عوامل واقعی مبداء و مقصد قرار ندارد. بلکه بر روی ادراکات فردی و ارزیابی های آن عوامل، قرار دارد. در کل نظریه ی "لی" چهارچوب جامعی برای تحلیل مهاجرت انتخابی بر هر دو سطح فردی و گروهی بنیان می نهد (Nicolaeva, 2001: 8-11).

نظریه جاذبه- دافعه (کشش- رانش<sup>۳</sup>) نیز راجع به مکانیسم بیرونی مؤثر بر مهاجرت بر اساس تفاوت های محیط طبیعی و سطوح مختلف توسعه اقتصادی در مبداء و مقصد و همچنین مکانیسم درونی مبتنی بر تفاوت های موجود در فرایند تصمیم گیری مهاجرین می باشد که در اوایل سال ۱۸۳۸، توسط هربرل مطرح شد. وی چنین فرض نمود که مهاجرت به علت نیروهای مختلفی صورت می گیرد که این نیروها شامل نیروهای جاذبه و نیروهای دافعه هستند (Zhang et al, 1997: 2).

«چستاد»<sup>۴</sup> نظریه ی هزینه ها و بازده های انسانی مهاجرت<sup>۵</sup> را در مقاله ای با عنوان "هزینه ها و بازده های انسانی مهاجرت" در مجله اقتصاد سیاسی در سال ۱۹۶۲ میلادی منتشر کرد. او بعضی از هزینه های مهم و عواید مهاجرت را در ابعاد عمومی و خصوصی مطرح نمود. هزینه ها و عواید مهاجرت از نظر وی مرکب از هزینه ها و عواید مادی<sup>۶</sup> و غیرمادی<sup>۱</sup> است. با توجه به نظریه

1 - Locality- personal

2 - Life cycle

3- Pull- push theory

4- Sjaastads

5- Theory of the costs and returns of human migration

6- Monetary

"چستاد"، مردم هزینه مورد انتظار مهاجرت را در مقابل عواید مورد انتظار آن می‌سنجند. اگر درآمدها بیشتر از هزینه‌ها باشد، آنها مهاجرت می‌کنند. وی بر این اساس تبیین می‌کند که چرا مهاجرین در جریان مهاجرت، عمدتاً جوان هستند و مسن‌ترها کمتر احتمال دارد که جابجا شوند. زیرا افراد مسن ممکن است احتمالاً قسمتی از سرمایه‌ی خود را از دست بدهند و باقی عمر آنها، خیلی کوتاه‌تر از آن است که توجیه شوند ریسک بزرگی انجام دهند. اما جوان‌ترها، اغلب سرمایه‌گذاری اندکی در جهت کسب تجربه و آموزش در یک پیشه به‌خصوص داشته‌اند در حالی که قسمت بیشتری از عمر آنها، هنوز باقی است» (Anh, 1998: 18-19).

نظریه تودارو نیز با این پیش‌فرض آغاز می‌شود که «مهاجرت بر خلاف وجود بیکاری در شهر ادامه دارد؛ که این مهاجرت مبتنی بر محاسبات اقتصادی فرد است که جنبه شخصی دارد. در نظریه وی مهاجرت بیشتر در پاسخ به تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا صورت می‌گیرد تا درآمد واقعی. اساس بحث این است که مهاجرین، به عنوان تصمیم‌گیرنده، فرصت‌های گوناگونی را که در بازار کار در دسترس آنهاست، از جمله بین بخش‌های روستائی و شهری مورد توجه قرار می‌دهند و شغلی را انتخاب می‌کنند که دستاوردهای مورد انتظار آنها را از مهاجرت، به حداکثر برساند. لذا در تصمیم‌گیری برای مهاجرت، فرد احتمالات و مخاطرات مربوط به بیکاری یا کم‌کاری را در یک دوره‌ی نسبتاً طولانی در مقابل تفاوت‌های مثبت درآمد شهر و روستا سبک و سنگین می‌کند» (تودارو، ۱۳۶۷: ۳۷). «نظریه تودارو نتایج مهمی را برای استراتژی توسعه در ارتباط با مزدها و درآمدها، توسعه روستایی و صنعتی شدن ارائه می‌دهد که به شرح زیر است:

- ✓ ضرورت کاهش عدم تعادل فرصت‌های شغلی در شهر و روستا؛
  - ✓ ایجاد اشتغال در شهر راه‌حل ناکافی برای مساله بیکاری است (چون مهاجرت همواره بیش از آن است)؛
  - ✓ گسترش بی‌رویه آموزش، به مهاجرت و بیکاری بیشتر منجر خواهد شد (چون فرصت اشتغال برای تحصیلات بالا بیشتر است. بنابراین مهاجرت جهت آموزش و دستیابی به سطوح بالای تحصیل جهت کارایی بهتر همچنان ادامه خواهد یافت)؛
  - ✓ پایین بودن کمک مالی دولت، و قیمت‌گذاری سنتی محصولات می‌تواند ضد تولیدی باشد؛
  - ✓ برنامه توسعه یکپارچه روستایی باید تشویق شود (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۶۷).
- البته در نظریه تودارو که برای اولین بار در رساله دکتری‌اش مطرح گردید اصلاحاتی انجام



شده است. هرچند که ویژگی اصلی تئوری وی تا به امروز، دست‌نخورده باقی مانده است. نظریه‌ی اصلاحی تحت عنوان نظریه‌ی هاریس<sup>۱</sup> - تودارو معروف شده است. این مدل، سکونت را متشکل از بخش دائمی شهری و بخش روستایی می‌داند که ماهیتاً از همدیگر متفاوت، ولی با همدیگر در حال مبادله هستند. بدین معنی که بخش روستایی به تولید کالاهای کشاورزی پرداخته و قسمتی از آن را با بخش شهری که کالاهای صنعتی تولید می‌کند، مبادله می‌نماید. از طرفی بخش روستایی بین استفاده از تمام نیروی کار موجود برای تولید کشاورزی و استفاده از قسمتی از نیروی کار برای تولید مواد غذایی و صدور بقیه آن برای اشتغال و دریافت مزد در بخش صنعت مخیر است. از این رو برخی افراد اقدام به مهاجرت کرده و نه تنها ارتباط خود را با روستا حفظ می‌کنند؛ بلکه از این طریق، روستا نیز از مزایای درآمدی مهاجرین استفاده می‌کند (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۵-۴۳).

جانسون<sup>۲</sup> نیز اصلاحاتی را در مدل هاریس - تودارو انجام داد و متغیرهایی برای جابجایی نیروی کار و امکان اینکه افراد شاغل شهری از طریق شبکه خانواده گسترده، افراد بیکار را نیز در درآمد خود سهیم کنند، ارائه نمود. پورتر<sup>۳</sup> نیز پیشنهاداتی برای اصلاح مدل تودارو - هاریس ارائه نمود. بر این اساس که اگر اشتغال در بخش شهری، نرخ سریع‌تری از رشد کل جمعیت داشته باشد؛ به شرط عدم تغییر در سایر عوامل، بیکاری شهری نمی‌تواند حالت تعادل داشته باشد. باگواتی و سرینیواسان با نقد گسترده و در عین حال مثبت خود از مدل هاریس - تودارو متذکر شدند که نتیجه‌گیری هاریس - تودارو مبنی بر اینکه کمک بلاعوض مزد شهری همراه با محدودیت فیزیکی مهاجرت برای نیل به کارایی تولید در سطح کل اقتصاد ضروری است، درست نیست. چون بهترین راه‌حل می‌تواند از طریق طرح‌های مختلف مالیاتی و کمکی تحقق یابد، بدون اینکه نیازی به اعمال محدودیت‌های فیزیکی در مهاجرت داخلی باشد. کوردن<sup>۴</sup> و فیندلی<sup>۵</sup> آثار ایستای مقایسه‌ای رشد اقتصادی را، با توجه به تحرک کامل سرمایه و تعیین قیمت کالاها در بازار در چهارچوب یک اقتصاد باز، هم در مورد مدل اصلی هاریس - تودارو و هم در مورد مدل اصلاح شده مورد بررسی قرار دادند. نامبردگان سپس با بررسی آثار مربوط به سیاست‌گذاری مدل اصلاح شده، به نتایجی رسیدند که نتیجه‌گیری‌های هاریس - تودارو را تأیید و اصلاح کرد (همان: ۴۹ - ۴۷).

1- John Harris

2- M. Johnson

3- R. C. Porter

4- W. M. Corden

5- R. Findly

اما بهترین نظریه مهاجرت که می‌تواند در قالب نظریه نوسازی طرح شود، نظریه آرتور لوئیس<sup>۱</sup> است. در این مدل لوئیس دو بخش اقتصادی را در نظر می‌گیرد. یک بخش معیشتی<sup>۲</sup> که با متوسط بهره‌وری پایین شناخته می‌شود با یک نیروی کار مازاد و یک بخش مدرن که رشد اقتصادی را تجربه می‌کند (Massey, 1981: 6). فرآیند تصمیم‌گیری در بخش معیشتی یا سنتی از نظر اقتصادی، بدون در نظر گرفتن حداکثر سود و غیرعقلانی است. جابجایی نیروی کار زمانی تشدید می‌شود که بخش نوین نرخ دستمزد بالایی (به‌طور نهادی شده) نسبت به بخش سنتی پرداخت نماید. در مقابل، بخش نوین ترکیبی از تمرکز سرمایه در صنایع و کشاورزی همراه با فناوری پیشرفته است. مؤسسات، در این بخش، به‌صورت عقلانی عمل می‌کنند و به حداکثر سود از طریق اجاره نیروی کار تا نقطه‌ای که تولید را با حداکثر سود بدست بیاورند، می‌اندیشند. همان‌طور که اقتصاد رشد می‌کند، این مؤسسات سود خود را مجدداً سرمایه‌گذاری می‌کنند و برداشت خود را افزایش داده و نیروی کار را از بخش سنتی جذب می‌کنند. دستمزدها در بخش نوین تا زمانی که نیروی ذخیره از بخش سنتی منتقل می‌شود (نیروی کار در بخش سنتی فاقد حاشیه‌ی امنیتی است) صعود نمی‌کنند (براهمن، ۱۳۸۱: ۱۵). در کل می‌توان خلاصه نظریات مربوط به مهاجرت را به‌طور خلاصه در جدول (۲) مشاهده نمود.

---

6- W. A. Lewis

7- Subsistence Sector

جدول (۲). نظریه های مهاجرت

ردیف	نظریه پرداز	مفاهیم کلیدی
۱	راونشتاین	مهاجرت و فاصله، مهاجرت مرحله‌ای، جریان و ضد جریان مهاجرت، تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت، تکنولوژی، ارتباطات و مهاجرت، تسلط انگیزه اقتصادی.
۲	لی	عوامل دافعه و جاذبه، ادراکات شخصی.
۳	آرتور لوئیس	بخش معیشتی با نیروی کار مازاد و بخش مدرن با نیاز به نیروی کار.
۴	هربرل	نیروی جاذبه و دافعه.
۵	چستاد	هزینه های مهاجرت (مادی و غیر مادی)، بازده های مهاجرت (مادی و غیر مادی).
۶	تودارو	تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا.
۷	هاریس - تودارو	مبادله بین شهر و روستا.
۸	جانسون	سهیم شدن افراد بیکار در درآمد افراد شاغل در شهر از طریق شبکه خانواده.
۹	پورتر	بالا بودن نرخ های بیکاری شهری.
۱۰	باگواتی و سرینیواسان	طرح های مختلف مالیاتی و کمکی.
۱۱	کوردن و فیندلی	تحرك سرمایه بین بخش شهری و روستایی.
۱۲	فیلدز	یافتن شغل در شهر قبل از مهاجرت، کم کاری در بخش سنتی، جذب کارگران تحصیل کرده در بخش نوین، جابجایی نیروی کار در یک چهارچوب چند زمانه شهری.

اما باید به این مباحث که بهبود وضعیت بهداشتی منجر به کاهش مرگومیر و افزایش جمعیت شده و مکانیزاسیون کشاورزی که به عنوان دافع جمعیت عمل نموده و گسترش ارتباطات منجر به تشدید مهاجرت های روستا- شهری می شود، هم پرداخته شود. از طرفی هر شهر، آستانه تحمل خاصی برای جذب جمعیت در بخش رسمی دارد که این آستانه ی محدود، بعضاً همراه با فقدان مهارت های مورد نیاز شهر، منجر به واگرایی کالبدی در شهر که به اسکان غیررسمی مشهور است، می شود که مباحث مربوط به آن از حوصله ی بحث حاضر خارج است.

روش شناسی

روش تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی است که مبتنی بر داده های ثانویه مربوط به تعداد مهاجرین بین استانی براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ و تحلیل آنها در قالب تکنیک تحلیل شبکه به انجام رسیده است. در این ارتباط علاوه بر مباحث و مطالعات نظری، مراحل زیر مورد توجه می باشد.

۱. طرح مسئله و شناسایی عناصر شبکه (گره گاه ها، یال ها و جریان)؛
۲. تشکیل ماتریس مهاجرین بین استانی: این ماتریس حاصل پردازش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ است که توسط مرکز آمار ایران در قسمت آمارهای

- مهاجرت ارائه گردیده است. جدول شماره (۳) به شکل کلی این آمارها را ارائه نموده که شمار مهاجرت‌های بین‌استانی را در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ نشان می‌دهد.
۳. وارد کردن داده‌ها به سیستم: اطلاعات مرکز آمار ایران با فرمت نرم‌افزار EXCEL ارائه شده و با همین فرمت در محیط نرم‌افزار UCINET قابل بازیابی و ذخیره است.
۴. انجام تحلیل و ترسیم دیاگرام شاخه‌درختی؛
۵. تحلیل شاخه‌درختی مهاجرت‌های استانی: هدف از این تحلیل که توسط نرم‌افزارهای آماری مختلف به شکل تحلیل خوشه‌ای و در نرم‌افزار UCINET به شکل تحلیل شاخه‌درختی قابل انجام است، تحلیل شدت و نزدیکی مهاجرت استان‌ها همراه با خوشه‌های مهاجرتی شکل گرفته در میان استان‌های کشور است. حاصل این تحلیل به صورت نمودار شاخه‌درختی قابل ارائه است. در این نمودار، طول شاخه‌ها بیانگر شدت مهاجرت‌ها و در سرشاخه‌ها قرار گرفتن یک استان بیانگر وجود مهاجرت بیشتر برای استان مربوطه است. در قسمت‌های پایین‌تر شاخه‌ها نیز استان‌های با شدت کمتر ولی دارای تبادل مهاجر با استان‌های سرشاخه و نیز سایر استان‌های پیوسته به این سرشاخه‌ها نشان داده می‌شود.
۶. تحلیل شبکه مهاجرت‌های بین‌استانی: در این مرحله تحلیل‌های متعددی در قسمت Net Draw از نرم‌افزار UCINET به انجام رسید که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد:
- ✓ تحلیل جدایی‌گزینی<sup>۲</sup>
  - ✓ تحلیل اجزاء تشکیل‌دهنده<sup>۳</sup>
  - ✓ تحلیل چندگانگی<sup>۴</sup>
  - ✓ تحلیل درجه مرکزیت<sup>۵</sup>
  - ✓ تحلیل پیوندهای دوجانبه<sup>۶</sup> و ... ؛
۷. وارد کردن موقعیت جغرافیایی گلوگاه‌ها؛
۸. ارائه دیاگرام شبکه موقعیتی مهاجرت‌های بین‌استانی: در این مرحله، نتایج تحلیل‌های به صورت دیاگرام ارائه می‌شود. جهت ارائه بهتر دیاگرام، لازم است برخی تنظیمات ضروری بر روی آن انجام شود تا ویژگی‌های شبکه‌ی شکل گرفته، به نحو مناسب ارائه گردد.

- 
- 1 - Tree Diagram
  - 2 - Isolates
  - 3 - Components
  - 4 - K- Cores
  - 5 - Centrality Measures
  - 6 - Reciprocal Ties

جدول (۳). ماتریس مهاجرت های بین استانی ایران در طی سال های ۹۰-۱۳۸۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳)

از	تهران	اصفهان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	یزد
تهران	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
اصفهان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
اردبیل	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
آذربایجان غربی	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
آذربایجان شرقی	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
یزد	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
چهارمحال و بختیاری	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
خراسان جنوبی	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
خراسان رضوی	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
خراسان شمالی	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
عزوستان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
زنجان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
سمنان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
سیستان و بلوچستان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
فارس	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
قزوین	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
قم	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
کردستان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
کرمان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
کرمانشاه	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
کهگیلویه و بویراحمد	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
گلستان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
گیلان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
لرستان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
مازندران	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
مرکزی	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
هرمزگان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
همدان	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱
یزد	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱	۱۱۰۱

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

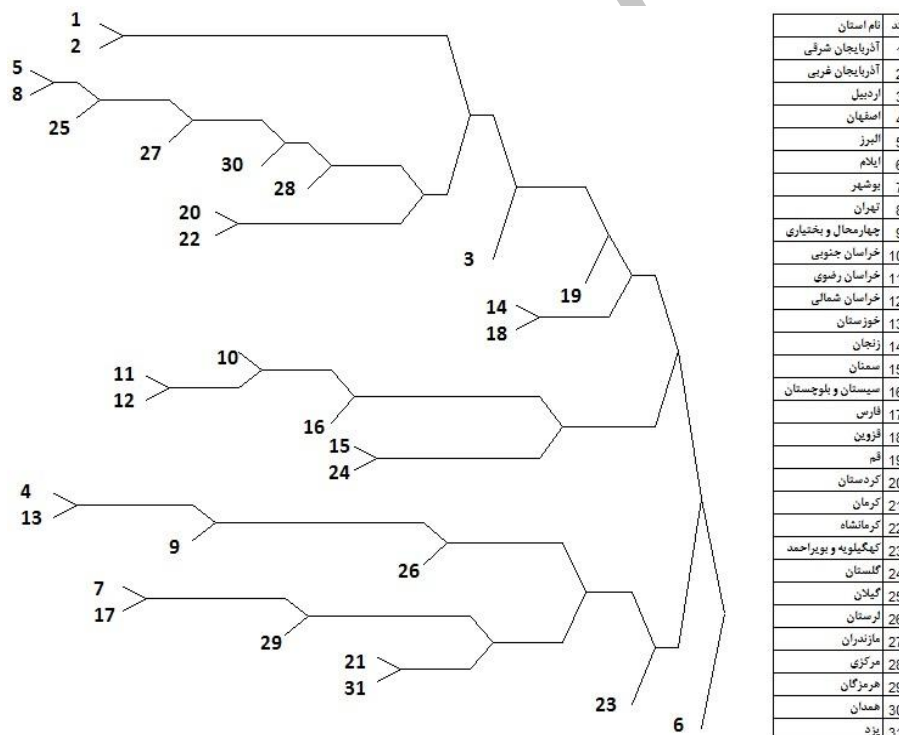
چنانچه گذشت، ابتدا تحلیل شاخه‌درختی مهاجرت‌های استانی در سطح کشور مورد توجه قرار گرفته که به صورت شکل شماره ۱ می‌باشد. چنانچه از نمودار شماره (۱) برمی‌آید، بیشترین تعداد مهاجران در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ در سطح کشور به استان‌های البرز و تهران اختصاص دارد که با برتری استان البرز، مهمترین شاخه از درخت مهاجرت بین‌استانی را در طی این دوره شکل داده‌اند. این شاخه با پیوستن استان‌های گیلان، مازندران، همدان و مرکزی تقویت شده و سپس شاخه نسبتاً مهم (رده ششم اهمیت در سطح کشور) مربوط به استان‌های کردستان و کرمانشاه و نیز شاخه مهم (رده سوم اهمیت در سطح کشور) مربوط به استان‌های آذربایجان شرقی و غربی را دریافت داشته و سپس با پیوستن استان‌های اردبیل و قم و شاخه‌ی نسبتاً کم‌اهمیت استان‌های قزوین و زنجان، سایر شاخه‌های درخت مهاجرت بین‌استانی در این دوره را نیز به خود جذب می‌نماید.

پس از این شاخه‌ی اصلی که شاخه‌ی درخت مهاجرت‌های بین‌استانی را به شدت تحت تأثیر خویش قرار داده، شاهد شکل‌گیری شاخه‌های مهم دیگری هستیم. از نظر اهمیت شاخه‌های شکل گرفته، رتبه دوم به شاخه‌ی استان‌های اصفهان و خوزستان اختصاص دارد که با شدت کمتری نسبت به شاخه‌ی اول به وجود آمده و با پیوستن استان‌های چهارمحال و بختیاری و لرستان و پیوستن شاخه‌ی بااهمیت (رده چهارم اهمیت در سطح کشور) دیگری با سرشاخه‌ی استان‌های بوشهر و فارس و در مراتب بعدی هرمزگان و نیز دریافت شاخه‌ی کم‌اهمیت استان‌های یزد و کرمان، در نهایت شاخه‌ی تنومند دیگری را در درخت مهاجرت‌های بین‌استانی کشور شکل داده و پس از پیوستن استان کهگیلویه و بویراحمد به شاخه‌ی اول (با سرشاخه‌ی البرز و تهران) متصل شده است.

رتبه‌ی سوم از نظر شدت و اهمیت شاخه‌ها به استان‌های آذربایجان شرقی و غربی اختصاص دارد که چنانچه گذشت، به شاخه‌ی اول پیوسته و بر تنومندی آن، بیش از پیش افزوده است. همچنین رتبه‌ی چهارم نیز به شاخه‌ی استان‌های بوشهر و فارس اختصاص دارد که این شاخه نیز به شاخه‌ی دوم متصل شده و در آن شاخه ادغام گردیده است. اما شاخه‌ی پنجم به استان‌های خراسان رضوی و شمالی اختصاص دارد که در ادامه با دریافت شاخه‌ی مربوط به استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و در مراتب بعدی استان‌های سمنان و گلستان، توانسته است شاخه‌ی تنومند دیگری بر درخت مهاجرت بین‌استانی در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ ایجاد نماید. این شاخه ابتدا به شاخه‌ی اصلی تهران- البرز پیوسته و در ادامه با پیوستن شاخه‌ی اصفهان- خوزستان کلیت درخت مهاجرت را شکل می‌دهد. اما در میان استان‌های کشور، تنها

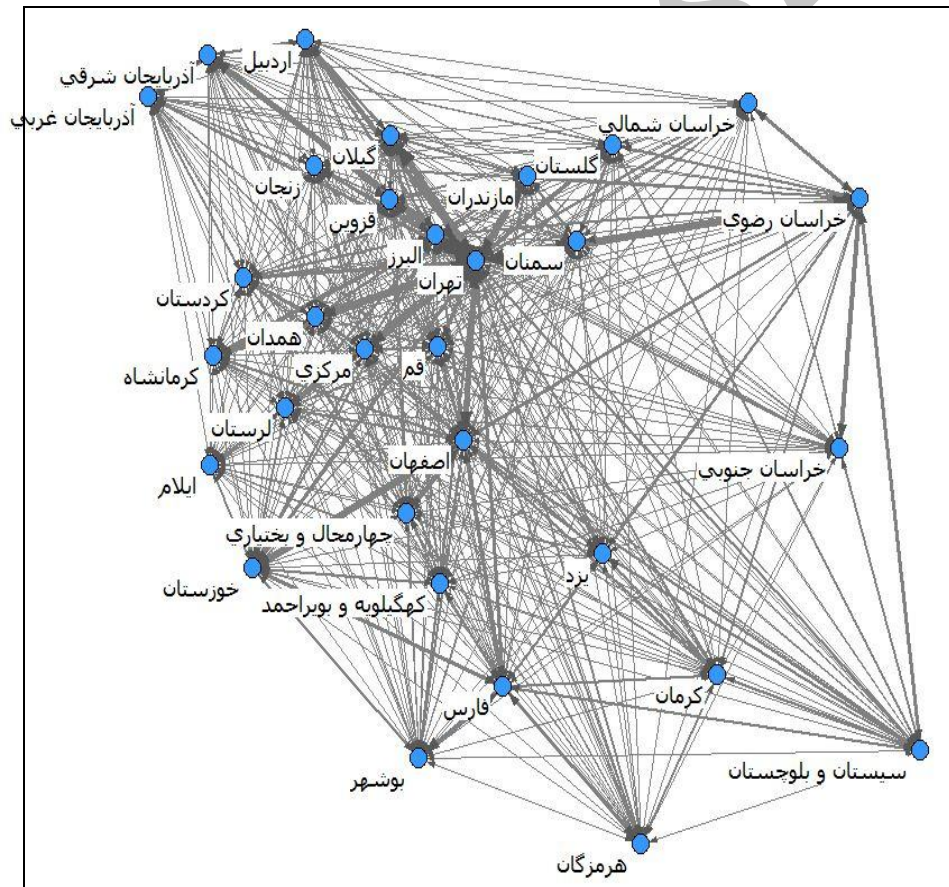
استان ایلام می باشد که به صورت شاخه ای منزوی به درخت مهاجرت بین استانی در کشور متصل گردیده است.

با عنایت به شکل ۱ که نمودار شاخه درختی مهاجرت های بین استانی را به نمایش گذاشته و نیز موارد مذکور در سطور پیشین، ۵ شاخه ای اصلی در بدنه ی درخت مهاجرت روئیده که با عنایت به آن وضعیت تمامی ۳۱ استان کشور در ۵ سال منتهی به ۱۳۹۰ مورد توجه قرار گرفت. اما در نمودار ارائه شده در شکل شماره ۱، تنها شاخه های شکل گرفته مطرح شدند که بیانگر نزدیکی و شدت بیشتر مهاجرت های بین استانی و قرابت آنها از نظر تبادل مهاجر بود. در این قسمت به بررسی دقیق تر مهاجرت های اخیر در قالب شبکه ی مهاجرت ها می پردازیم که در شکل ۲ ارئه شده است. چنان که در این شکل ملاحظه می شود، مهاجرت های شکل گرفته در بین استان های مختلف در سطح کشور در طی سال های ۹۰-۱۳۸۵ به صورت جزء به جزء قابل مشاهده بوده که البته از نوسان زیادی برخوردار است.



شکل (۱). نمودار شاخه درختی مهاجرت های بین استانی طی سال های ۹۰-۱۳۸۵ (پژوهشگران ۱۳۹۳ با استفاده از مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳)

در شکل (۲) جهت نمایش پیوندهای استانی از منظر تبادل مهاجر، ۹۳۰ خط ترسیم شده تا وضعیت مهاجرت‌های بین‌استانی در سطح کشور به تصویر کشیده شود. در این شکل تعداد مهاجرین با ضخامت خطوط مشخص شده است. بر اساس شکل شماره ۲ مشخص می‌شود که در سطح کشور تمامی استان‌ها در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ دارای پیوند جمعیتی از نظر تبادل مهاجر با هم بوده‌اند. این امر فارغ از اثرات مثبت و منفی مهاجرت‌های شکل گرفته که موضوع پژوهش حاضر نیست، حاکی از روابط مناسب اجتماعی- جمعیتی در سطح کشور است. با این حال، توزیع مهاجرت‌های بین‌استانی به صورت همگن شکل نگرفته و دارای نوسان بسیار شدیدی در میان استان‌های مختلف کشور می‌باشد.



شکل (۲). شبکه مهاجرت‌های بین‌استانی طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ بر اساس موقعیت استان‌ها (پژوهشگران، ۱۳۹۳).



بررسی وضعیت استان‌های کشور مشخص می‌سازد که بیشترین مهاجرپذیری در استان البرز اتفاق افتاده که سهم قابل توجهی از آن ناشی از سرریز جمعیتی استان تهران بوده است. در حال حاضر استان تهران و مخصوصاً شهر تهران به دلیل تمرکز شدید جمعیتی، آلودگی هوا، ترافیک، بالابودن هزینه‌های زندگی و ... دافعه‌ی زیادی برای جمعیت ساکن ایجاد نموده و سرریز جمعیتی به سمت کانون‌های جمعیتی پیرامون خویش فراهم ساخته که در این میان استان البرز به مرکزیت شهر کرج، توانسته است سهم قابل توجهی از جمعیت مهاجر استان تهران را به خود جذب نماید. بعلاوه برخی جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های اخیر در ارتباط با لزوم تمرکززدایی از تهران نیز در این زمینه مؤثر به نظر می‌رسد. این امر در نقطه‌ی مقابل، ناشی از موقعیت خاص و ویژگی‌های منحصر به فرد شهر کرج و سایر سکونتگاه‌های استان البرز از منظر؛ نزدیکی به تهران، دسترسی به شریان‌های ارتباطی متعدد و سریع، هزینه‌های نسبتاً پایین زندگی، سطح نسبتاً بالای خدمات و کارکردهای موجود و ... می‌باشد. این عوامل سبب می‌شود مزیت‌های فضایی و جاذبه‌های استان البرز در برابر نیروهای دافع جمعیتی در شهر تهران، به شکل مؤثری عمل نموده و به صورت مذکور، نمود یابد. این درحالی است که استان البرز نیز سهم قابل توجهی از مهاجرفرستی خود را به سمت استان تهران شکل داده که البته کمتر از میزان مهاجرپذیری آن بوده و علاوه بر استان تهران با شدت بسیار زیاد و استان کرمانشاه به شکل ضعیف، با سایر استان‌های کشور دارای ارتباط بسیار ضعیفی از منظر تبادل مهاجر است. اما نقطه مقابل این وضعیت در استان تهران اتفاق افتاده و این استان دارای پیوندهای مهاجرتی نسبتاً قوی‌تری با سایر استان‌های کشور است.

پیوندهای مهاجرتی استان تهران، علاوه بر استان البرز که با شدت زیادی اتفاق افتاده، با اغلب استان‌های کشور با شدت نسبتاً کمتری مخصوصاً از نظر مهاجرپذیری برقرار بوده که عمدتاً از طریق استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، همدان، کرمانشاه، فارس، گیلان، لرستان و با شدت کمتری از طریق سایر استان‌های کشور به سمت استان تهران گسیل شده‌اند. به رغم تراکم بسیار زیاد جمعیت در استان تهران و مشکلات عدیده‌ی موجود در این استان که چالش‌های متعددی را برای زیست مناسب جمعیت در آن و مخصوصاً شهر تهران فراهم می‌سازد، به دلیل تمرکز شدید کارکردها، فعالیت‌های صنعتی- خدماتی، اداری، زیرساخت‌ها، درآمد و در رأس آن مرکزیت سیاسی کشور، همچنان استان تهران را به‌عنوان یکی از کانون‌های جاذب مهاجر در سطح کشور تبدیل نموده و تأثیر استان تهران در این مسئله تا حدی زیاد است که مهاجرپذیری استان البرز هم متأثر از نقش بی‌بدیل آن قابل ارزیابی و تحلیل است. در مقابل از نظر مهاجرفرستی نیز استان تهران به‌طور عمده مهاجرین خود را

علاوه بر استان البرز، به سمت استان‌های گیلان، مازندران، خراسان رضوی، مرکزی، سمنان و با شدت کمتر به سمت سایر استان‌ها در سطح کشور گسیل داشته است. در مجموع میزان مهاجرپذیری استان تهران بیش از میزان مهاجرفرستی آن بوده و موازنه‌ی مثبت مهاجرتی را برای آن رقم می‌زند. هرچند استان‌های البرز و تهران سهم قابل توجهی از مهاجرین مبادله شده در بین استان‌های کشور را به خود اختصاص داده‌اند و مخصوصاً استان تهران در مواجهه با تمامی استان‌ها یکی از مهمترین استان‌های دارای تبادل مهاجر است، اما استان‌های دیگری نیز وجود دارند که در این ارتباط نقش قابل توجهی را مخصوصاً در مناطق پیرامونی خویش ایفا نموده‌اند که در این زمینه می‌توان به استان‌های اصفهان، آذربایجان شرقی، بوشهر، خراسان رضوی، سمنان و ... اشاره نمود.

در این بین استان اصفهان توانسته است در جذب جمعیت از استان‌های خوزستان، چهارمحال- و بختیاری، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد و ... نقش جاذب جمعیت و مهاجرپذیر را برای نواحی جنوب غربی کشور ایفا نماید. مهمترین نمود مهاجرپذیری شکل یافته برای استان اصفهان از استان خوزستان بوده که طبیعتاً در اثر مزیت‌های فضایی موجود و نقش آفرینی کارکردهای مختلف توسعه یافته در سطح استان اصفهان می‌باشد. این کارکردها و مزیت‌ها در استان اصفهان در مقایسه با استان‌های مورد بحث قابل قیاس نبوده و بعلاوه وجود برخی مشکلات در آنها، قدرت دافعه جمعیت را افزایش داده و وضعیت حاضر را شکل داده است. با این حال، استان اصفهان خود به‌عنوان یک کانون مهاجرفرستی نیز نقش ایفا نموده و مهاجرین ارسالی خود را که کمتر از مهاجرین دریافتی آن می‌باشد، به‌طور عمده به استان‌های تهران، خوزستان، فارس، یزد و ... گسیل داشته که سهم قابل توجهی از آن به استان تهران اختصاص دارد.

پس از استان اصفهان می‌توان به شاخه سوم از مهاجرت‌های شکل گرفته با تسلط استان آذربایجان شرقی و همراهی استان آذربایجان غربی اشاره نمود. در این گروه، استان آذربایجان شرقی که در طی چند دهه‌ی گذشته، نرخ مهاجرت خالص آن منفی بوده، توانسته است این نرخ را تا حدودی بهبود بخشد. بیشترین مهاجرپذیری استان آذربایجان شرقی از استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، کردستان و ... صورت پذیرفته که ناشی از کارکردهای منطقه‌ای و جاذبه‌های مرکزی این استان می‌باشد. نرخ مهاجرت خالص استان آذربایجان شرقی در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ بهتر از ادوار پیشین سرشماری بوده، اما در مقایسه با سایر استان‌های مورد اشاره، نرخ نسبتاً پایینی می‌باشد که به دلیل بالا بودن میزان مهاجرفرستی استان است. استان‌های تهران، آذربایجان غربی، البرز، اردبیل و ... استان‌هایی هستند که به‌طور عمده مهاجرین خروجی از استان آذربایجان شرقی را به خود جذب نموده‌اند. لذا نقش مهاجرپذیری استان

آذربایجان شرقی به منطقه شمال غربی کشور محدود گشته اما در زمینه مهاجرفرستی به طور عمده مرکز کشور هدف مهاجرفرستی این استان بوده است.

درجات بعدی شبکه مهاجرت های شکل یافته به مهاجرت های میان استان های بوشهر و فارس با تسلط فضایی- کارکردی استان بوشهر، ناشی از توسعه صنایع نفت و گاز پارس جنوبی اختصاص دارد که جذابیت هایی را برای این استان فراهم آورده و قسمتی از مهاجرفرستی استان های پیرامونی مانند فارس، هرمزگان و بعضاً خوزستان را نیز به خود جلب نموده و نقش منطقه ای جاذب جمعیت را برای استان بوشهر رقم می زند. این مسئله در شرایطی اتفاق افتاده که استان بوشهر پس از خروج از وضعیت مهاجرفرستی سال های گذشته، به عنوان یک استان مهاجرپذیر، خصوصاً در منطقه جنوب کشور ظاهر شده است. این در حالی است که در منطقه شرق و شمال شرق کشور شاهد نقش آفرینی استان خراسان رضوی هستیم که مهاجرپذیری آن به طور عمده ناشی از جاذبه های فضایی و کارکردی موجود و برتری نسبی استان بوده و از استان های خراسان شمالی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان صورت گرفته است. وضعیت سایر نواحی کشور نیز از جداول و نمودارهای مربوطه قابل بررسی است.

### نتیجه گیری

نکته حائز اهمیت در خصوص تحلیل شبکه مهاجرت های بین استانی در سطح کشور این است که برخی استان ها از نظر مهاجرپذیری توانسته اند کانون های منطقه ای را در نواحی مختلف کشور در جهت جذب جمعیت شکل دهند که برخی از آن مورد اشاره قرار گرفت، اما خود این کانون های اصلی نیز در مراتب بعدی به عنوان کانون های مهاجرفرست نقش ایفا نموده اند که مقصد عمده این مهاجرت ها استان تهران و پس از آن استان البرز بوده است. این مسئله در کنار مشکلات عدیده ای که در کانون های پرتراکم جمعیتی در سطح کشور به وجود آمده، سبب شده تا چهار بند از سیاست های کلی جمعیت که به تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده به این مهم اختصاص یابد که شامل بندهای ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۴ از این سیاست ها می شود. این بندها بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت متناسب با ظرفیت زیستی، حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم تراکم، مدیریت مهاجرت و رصد مستمر سیاست های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی را خواستار شده اند. با عنایت به تحلیل های انجام شده، نتایج حاصل از تحقیق حاضر به شرح زیر قابل بررسی است.

اثر مرکزیت و تمرکز کارکردهای فضایی در استان تهران تبلور یافته و سبب جذب مهاجرین سایر استان ها به سمت این استان و در اثر سرریز جمعیتی به سمت استان البرز شده است. در

این زمینه، استان تهران نقش مهاجرپذیری در مقیاس ملی برعهده دارد که در نتیجه‌ی آن، موازنه‌ی مهاجرتی این استان در مقایسه با اغلب استان‌های کشور، مثبت است که این امر بیشتر با تأکید بر عوامل دافعه و جاذبه‌ی مهاجرت که توسط "لی" و "هربل" مطرح شده‌اند، قابل توجیه است. اثر عوامل جذب در استان تهران به‌حدی بوده که برخلاف نظر راونشتاین، اثر عامل فاصل از بین رفته و حتی کانون‌های ناحیه‌ای جذب جمعیت نیز، مهاجرین زیادی را به سمت استان تهران روانه داشته‌اند. هرچند که شکل‌گیری این کانون‌های ناحیه‌ای در جذب جمعیت مهاجر، خود می‌تواند تأییدی بر اثر عامل فاصله در مهاجرت باشد. همچنین شکل‌گیری این وضعیت می‌تواند حاکی از مهاجرت مرحله‌ای در سطح کشور متأثر از وجود مهاجرفرستی در کانون‌های ناحیه‌ای به سمت مرکز کشور باشد. سرریز جمعیتی استان تهران نیز می‌تواند نوعی ضدجریان مهاجرت باشد که جملگی توسط راونشتاین مورد توجه قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد مهاجرت‌های بین استانی می‌تواند انعکاس فضایی شرایط حاکم بر استان‌ها در نظر گرفته شوند، چرا که استان‌های دارای کارکردها و نقش‌های فضایی فرااستانی که در سال‌های دور به‌عنوان قطب‌های رشد مورد توجه بوده‌اند، همچنان توانسته‌اند در اثر انباشت سرمایه و فعالیت، موجبات انباشت بیشتر جمعیت را نیز فراهم آورند. این امر با توسعه فعالیت‌های بخش صنعت و خدمات در کانون‌های ناحیه‌ای تا حدودی مبتنی بر نظر "آرتور لوئیس" قابل توجیه است.

### منابع و مأخذ

۱. آقایاری هیر، محسن (۱۳۸۹). تحلیل فضایی شبکه مدیریت روستایی و ارائه الگوی مناسب مبتنی بر IT: مطالعه موردی شهرستان اردبیل، رساله دوره‌ی دکتری تخصصی در دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۲. باستانی، سوسن و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت، نامه علوم اجتماعی. ۳۰. بهار ۱۳۸۶: ۹۵-۶۳.
۳. براهمن، جان (۱۳۸۱). توسعه مردم‌گرا، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و مرتضی توکلی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
۴. پاپلی یزدی، محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی (۱۳۸۱). نظریه‌های توسعه روستایی، نشر سمت.
۵. تمنا، سعید (۱۳۹۱). مبانی جمعیت‌شناسی، نشر دانشگاه پیام نور، چاپ نهم.

۶. تودارو، مایکل (۱۳۶۷). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه غلامعلی فرجادی، نشر وزارت برنامه و بودجه.
۷. جوان، جعفر (۱۳۸۹). *جغرافیای جمعیت ایران*، نشر جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ ششم.
۸. دولفوس، الیویه (۱۳۷۰). *تحلیل جغرافیایی*، ترجمه سیروس سهامی [مشهد]، نیکا.
۹. رحمانی، بیژن و سلطانی مقدس، ریحانه (۱۳۹۱). *کلان شهرها، مهاجرت ناحیه‌ای، انگیزه‌ها و پیامدها؛ فصلنامه آمایش محیط*، شماره ۱۶.
۱۰. رحمانی، تیمور و حسن‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰). *اثر مهاجرت بر رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران؛ فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*؛ شماره ۵.
۱۱. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶). "نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی" *فصلنامه تعلیم و تربیت*. ۹۱، ۱۸۰-۱۶۵.
۱۲. فرید، یدالله (۱۳۸۳). *جغرافیای جمعیت*، نشر دانشگاه تبریز، چاپ پنجم.
۱۳. کلارک، جان اینس (۱۳۹۰) *اصول و مبانی جغرافیای جمعیت*، ترجمه مسعود مهدوی، نشر قومس، تهران.
۱۴. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریه‌های مهاجرت*، نشر نوید، شیراز.
۱۵. لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۱). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*؛ ترجمه حسین محمودیان، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۹۳). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰- بخش مهاجرت*، قابل دسترسی در سایت این مرکز.
۱۷. ناطق، محمد و همکاران (۱۳۸۵). *نقش خوشه‌سازی در افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط با محوریت توسعه بازاریابی*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

Anh, D, N (2001). *Migration in Vietnam: Theoretical Approaches and Evidence from a Survey*, transport communication publishing house.

18. Clarke, W. A. V (William A. V.) (1986). *Human Migration*, sage publication.

Massey, R. David (1981). *Labor Migration and Rural Development in Botswana*, Ph.D. thesis in Boston University.

Merriam-Webster (2008). *Merriam-Webster Online Dictionary*.

Newbold, K. Bruce (2010) *Population Geography: Tools and Issues*, Rowman & Littlefield Publishers.

Nicolavea, Yurevna, Marina (2001). *Multi level Analysis of Migrant Selectivity to Appalachian Countries*, PhD thesis in Pennsylvania State University.

Robbers, Anderi (1985). *Regional Population*, sage publication.

Weeks, Gohn, R. (2008). *Population, an Introduction to Concepts and Issues*, Belmont Publications, USA.

Wehmeier, S. (2003). *Oxford Advanced Learners Dictionary*, Oxford, Reprinted in I.R. Iran, 2007.

Yao, Fang (2008). *The Contribution of Individual and Structural Factors on Employment Achievement among Rural to Urban Migrant in China*, PhD thesis in University of California, Berkeley.

Yeung, Albert, K.W. (2005). *Concepts and Techniques of Geographic Information Systems*, Prentice Hall publication of India, New Delhi.

Zhang, Zhilang, Zhang Tao and Zhang Qian (1997). *The Push– Pull Theory of Migration and Its Application*, Journal of population science, vol. 9.

Archive of SID